

مناسبات امنیت و آزادی از دیدگاه سید قطب مبتنی بر نظریه استخدام علامه طباطبایی

علی اصغر نصیری^۱

استادیار معارف اسلامی دانشگاه صنعتی شاهرود

نجف لکزایی

استاد دانشگاه باقرالعلوم

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۹/۲۱)

چکیده

کاربست مطالعات امنیتی نقش بسزایی در تنظیم روابط اجتماعی دارد. مناسبات امنیت و آزادی در جوامع بشری، از مباحث مطالعات امنیتی به‌شمار می‌آید. شناخت دیدگاه اندیشمندان اسلامی در مورد نسبت امنیت و آزادی از جمله روش‌هایی است که در تنظیم آن نسبت راهگشا است. سید قطب از جمله اندیشمندانی است که در آثار خود به مباحث امنیتی پرداخته است. با وجود این، پژوهش‌های اندکی در این زمینه صورت گرفته است. این مقاله درصدد است تا دیدگاه سید قطب را درباره نسبت امنیت و آزادی در سه بُعد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به‌دست آورد. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که مناسبات امنیت و آزادی در اندیشه سید قطب، چگونه است؟ برای پاسخ به این پرسش، از روش برهان سبب و تقسیم و از نظریه استخدام علامه طباطبایی (ره) به‌عنوان چارچوب نظری استفاده شده است. از مهم‌ترین یافته‌های این مقاله این است که هیچ‌یک از امنیت و آزادی در اندیشه سید قطب بر یکدیگر تقدم ندارند، بلکه نسبتی تعاملی متعالی میان آن دو برقرار است و این نسبت به اعتقاد سید قطب، نشأت گرفته از کاربست قوانین اسلام درباره هریک از امنیت و آزادی است و تنها در جامعه اسلامی است که چنین مناسباتی میان امنیت و آزادی برقرار می‌شود. نتایج این پژوهش ضمن ایجاد توسعه علمی در مباحث مربوط به امنیت و آزادی، در امر قانونگذاری و حل نزاحمات در نظام سیاسی کاربرد دارد.

واژه‌های کلیدی

امنیت، آزادی، جامعه اسلامی و جاهلی، سید قطب، مناسبات تعاملی.

مقدمه

تنظیم نسبت میان امنیت و آزادی، از جمله مسائل ضروری در هر اجتماع انسانی است. نیاز به وجود توأمان امنیت و آزادی در تعاملات اجتماعی بشر، در نظر گرفتن چگونگی مناسبات آن دو مقوله را در جامعه ضروری می‌نماید. تقدم امنیت بر آزادی و برعکس و تعامل و تلازم میان آن دو، سه وضعیت عمده در مناسبات امنیت و آزادی محسوب می‌شود که تحقق هر حالت در جامعه، آثار و پیامدهایی را نسبت به حقوق اساسی شهروندان از یک سو و دولت و منافع ملی از سوی دیگر در پی دارد. در واقع عدم اهتمام لازم در تنظیم و ترسیم رابطه‌ای تعادلی و بدون افراط و تفریط میان امنیت و آزادی، استبداد (تقدم امنیت بر آزادی)، هرج و مرج (تقدم آزادی بر امنیت) و در نهایت نیز عدم تعالی را در جامعه رقم خواهد زد. با وجود ضرورت و اهمیت مذکور، اگرچه در موضوع امنیت و یا در موضوع آزادی از دیدگاه اندیشمندان اسلامی پژوهش‌هایی انجام گرفته است، آثاری که موضوع یا مسئله آنها بررسی مناسبات امنیت و آزادی از منظر اندیشمندان اسلامی به‌ویژه علمای اهل تسنن باشد، کمتر مشاهده می‌شود. برخی از اندک آثار تولیدشده در این موضوع عبارت‌اند از: مناسبات امنیت و آزادی در اندیشه شهید مطهری (ره) (نصیری و همکاران، ۱۳۹۸)؛ وجوه امنیتی متعالی و متدانی شاهنامه‌ی فردوسی (نصیری، ۱۳۹۸)؛ بررسی نسبت بین امنیت سیاسی و آزادی سیاسی در اندیشه مقام معظم رهبری (نصیری و لکزایی، ۱۳۹۶)؛ نسبت امنیت سیاسی و آزادی در اندیشه علامه طباطبایی (رحمه‌الله) (لکزایی و نصیری، ۱۳۹۳)؛ مناسبات آزادی و امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره) (لکزایی، ۱۳۸۴)؛ امنیت و آزادی؛ بررسی مناسبات امنیت و آزادی در اندیشه اسلامی (نصیری، ۱۳۹۵)؛ مناسبات امنیت و آزادی از دیدگاه فقهای معاصر (فصیحی، ۱۳۸۹). در این میان، شناخت دیدگاه سید قطب از اندیشمندان برجسته اهل سنت و جهان اسلام، درباره نسبت آزادی و امنیت حائز اهمیت است. به‌ویژه اینکه از یک سو به نظر نگارنده تاکنون پژوهشی که مناسبات آزادی و امنیت را در اندیشه سید قطب بررسی کرده باشد، صورت نپذیرفته است، بلکه اندیشه سیاسی سید قطب بیشتر مورد توجه پژوهشگران بوده است. برای مثال بررسی تطبیقی اندیشه‌های سیاسی سید قطب و حسن حنفی (تقوی سنگدهی و امانی چاکلی، ۱۳۹۲)؛ اندیشه سیاسی سید قطب (علیپور، ۱۳۸۷)؛ اندیشه‌های سیاسی سید قطب (سوزنگر، ۱۳۸۳)؛ تقریر گفتمان سید قطب (مرادی، ۱۳۸۲). از این‌رو بررسی دیدگاه سید قطب درباره مناسبات امنیت و آزادی اهمیتی دوچندان می‌یابد و به نوبه خود، پژوهشی نو و جدید محسوب می‌شود. با توجه به دیدگاه‌های اصلاحی سید قطب در فضای اندیشه‌ای جهان تسنن که دیدگاه‌های امنیتی بسیاری از علما و اندیشمندان برجسته آن همچون احمدین حنبل (ابن حنبل، ۱۳۱۳ق، ج ۱: ۳۱۰؛ ابن ابی یعلی، ۱۳۹۷ق/۱۹۷۷م، ج ۱: ۲۴۶-۲۴۱؛ علیخانی و همکاران، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۳۲-۲۰۷؛ شهرستانی، ۱۴۰۰ق، ج ۱: ۱۰۸-۱۰۳)، ابوالحسن اشعری (الاشعری، بی‌تا: ۱۶۸-۱۶۷) و ابوحامد محمد غزالی

(غزالی، ۱۳۸۶: ۳۰۳-۳۰۴ و ۷۳۷-۷۳۸) به وضعیت تقدم امنیت بر آزادی به‌ویژه در عرصه سیاسی، نزدیک است. بر این اساس، فرضیه مقاله حاضر این است که دیدگاه امنیتی سید قطب به وضعیت تعامل امنیت و آزادی نزدیک است. از این رو، این پژوهش درصدد است تا دیدگاه سید قطب را درباره نسبت میان امنیت و آزادی با بهره‌گیری از روش برهان سبر و تقسیم و چارچوب نظری برگرفته از نظریه استخدام علامه طباطبایی (ره) تبیین کند. به همین منظور، ابتدا مباحث مقدماتی با عنوان روش و چارچوب نظری پژوهش و مفهوم‌شناسی و سپس با بهره‌گیری از نظریه استخدام و برهان سبر و تقسیم، نسبت بین آزادی و امنیت در سه بعد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از دیدگاه سید قطب تبیین می‌شود.

روش و چارچوب نظری

این مقاله از روش برهان سبر و تقسیم بهره جسته است. این روش از جمله براهینی است که در علوم مختلف کاربرد دارد. «سبر» در این روش به معنای آزمودن و «تقسیم» نیز به معنای شمردن و جمع کردن (همه آنچه احتمال می‌رود علت باشند) است. سبر و تقسیم در اصطلاح عبارت است از حصر کردن اوصاف در یک اصل و باطل کردن دیگر اصول محتمل. به بیان دیگر، روش کار در این برهان این‌گونه است که نظرها و فرضیه‌های مختلف در مسئله مورد بحث، گرد آورده شده و سپس با استفاده از دلیل، هریک از آن فرضیه‌ها و نظرها نقد و بررسی می‌شود. با این توضیح که احتمالات و فرضیه‌ها یکی پس از دیگری نقد و ارزیابی شده و در نهایت یکی از اقوال اثبات می‌شود. به بیان دیگر، با استفاده از عقل، احتمالات نادرست کنار گذاشته می‌شود و تنها یک احتمال به اثبات می‌رسد (مؤسسه دائرةالمعارف الفقه الاسلامی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۳۷۲).

چارچوب نظری مقاله حاضر ریشه در نظریه استخدام علامه طباطبایی دارد. با این توضیح که انسان به‌طوری خلق شده است که میل به زندگی اجتماعی دارد (طباطبایی، ۱۹۹۱، ج ۲: ۱۱۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۱: ۴۸). این ویژگی نیز به‌علت وجود خصوصیتی است که بر آن «استخدام» اطلاق می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۵۱-۵۰). در فرایند استخدام، انسان با هدف نیل به کمال با استفاده از احکام نشأت‌گرفته از ادراکات اعتباری خویش، کوشش می‌نماید تا افراد هم‌نوع خود را در خدمت خود قرار دهد (طباطبایی، ۱۹۹۱، ج ۲: ۱۱۸). در این میان، تفاوت‌های موجود در توانایی‌های طبیعی و اکتسابی افراد سبب سود بردن بیشتر بعضی افراد از بعضی دیگر می‌شود و این خود، اختلاف انسان‌ها را به‌دنبال می‌آورد که استمرار آن، هرچومرج و نابودی انسان را در پی خواهد داشت. از این رو انسان برای حفظ امنیت اجتماع انسانی و برطرف کردن تهدید اختلافات یادشده که در خصوصیت استخدام‌کنندگی بشر ریشه دارد، به ضرورت قانونگذاری پی می‌برد (طباطبایی، ۱۹۹۱، ج ۲: ۱۲۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۹: ۴۴). مراجعه به دین در زندگی اجتماعی به‌جای استفاده از

روش‌های سکولاریستی راه‌حلی است که علامه طباطبایی برای حفظ قانون در جامعه در مواجهه با طبع سرکش انسانی طرح می‌کند، زیرا در دین علاوه بر وجود قوانین مجازات و نظارت بیرونی، ناظری درونی نیز برای حفظ قوانین لحاظ شده است (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۴۹-۴۴؛ همان، ۷۵). از این رو قوانین دینی از نظر تأمین امنیت در روابط اجتماعی، نوعی استخدام تعاملی عادلانه و متعالی ایجاد می‌کند. به بیان دیگر، از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) روابط اجتماعی بشر، نیازمند اعتبار استخدام دوطرفه عادلانه است، زیرا در غیر این صورت، سودرسانی یکطرفه می‌شود (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۶: ۴۴۱-۴۳۸) و این امر، از یک سو موجب مکاتب امنیتی متدانی است و از سوی دیگر، آزادی را به وضعیت متدانی می‌کشاند. از این رو برای تحقق روابط تعاملی مبتنی بر عدالت در سطح جامعه (استخدام دوطرفه) و در نتیجه، تولید امنیت متعالی و آزادی متعالی، وجود قوانین عادلانه الهی ضرورت پیدا می‌کند (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۶: ۴۴۱-۴۳۸؛ لک‌زایی، ۱۳۸۹: ۷۶-۷۲).

نسبت امنیت و آزادی		تأثیر بر آزادی		تأثیر بر امنیت		نتیجه		اعتبار
تقدم امنیت بر آزادی / تقدم آزادی بر امنیت	سلب آزادی / آزادی (ناعادلانه): آزادی حداقلی / حداکثر	تولید نامنی / مکتب امنیتی متدانی / حداقلی / حداکثری	ظلم و سلطه طلبی / تحقق روابط اجتماعی ناعادلانه	یک سو	خارج از چارچوب قوانین الهی	استخدام: انسان در روابط با هم‌نوعان خویش، پیوسته به دنبال سود خود است.		
تعامل و تلازم امنیت و آزادی	آزادی متعالی (عادلانه)	تولید امنیت عادلانه / مکتب امنیتی متعالی	عدالت / تحقق روابط اجتماعی عادلانه	دو سویه	در چارچوب قوانین الهی	عدالت: خواستاری سود همگانی.		

مفهوم‌شناسی

۱. مفهوم آزادی

آزادی در لغت به معنای رهایی، ضد بندگی، قدرت عمل، ترک عمل و قدرت انتخاب است (عمید ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۴؛ دهخدا ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۱۷) آزادی منفی (رهايي و فقدان مانع)، آزادی مثبت (آقا و صاحب اختیار خود بودن) (برلین ۱۳۶۸: ۲۳۶ و ۲۴۹)، فقدان مانع در مقابل شخص برای رسیدن به هدف (Gray 1991: 12؛ میراحمدی ۱۳۸۱: ۲۶)، از جمله تعاریف اصطلاحی آزادی در قالب تلقی سلبی

و ایجابی‌اند. به اعتقاد نگارنده، مفهوم آزادی از مفاهیم سازه‌ای^۱ است و تعریف مفاهیم سازه‌ای نیز از طریق ارائه سازه است. از ویژگی‌های نگاه سازه‌ای به مفهوم آزادی، این است که هر مکتبی می‌تواند سازه آزادی را با توجه به نظام فرهنگی و ارزشی خود بنا کند. بنابراین، از بین تعاریف ارائه‌شده برای آزادی، فقط تعریف آزادی به «فقدان مانع در مقابل شخص در انجام دادن یا برخوردار بودن از چیزی» قابل پذیرش است و به صورت سازه‌ای بیان شده است: فقدان «ب» (مانع) در مقابل «الف» (فاعل) برای رسیدن به «ج» (انجام دادن «ج» یا برخوردار بودن از «ج»). این تعریف علاوه بر قابلیت تطبیق با دو تلقی سلبی و ایجابی از آزادی، به دلیل تعبیه وجه غایت (برای رسیدن به «ج») در تعریف، به تلقی اسلامی از آزادی (آزادی متعالی) نزدیک‌تر است، زیرا در تعریف آزادی متعالی، وجه غایت، عنصری کلیدی محسوب می‌شود و آزادی فرد و جامعه تنها در صورت همسو بودن و یا عدم مضر بودن آن آزادی برای تعالی و کمال انسانی پذیرفته است.

با توجه به اینکه در اندیشه سید قطب آزادی به معنای واقعی آن فقط در جامعه اسلامی محقق می‌شود و در مقابل، در جامعه جاهلی، همه مردم به معنای واقعی آزاد نیستند، بلکه نوعی رابطه برده و اربابی میان مردم برقرار است. بنابراین می‌توان گفت که آزادی در اندیشه سید قطب در مفهوم سلبی آن به معنای رهایی مردم از قیود جامعه جاهلی و خروج از عبودیت انسان و در مفهوم ایجابی آن به معنای تحت فرمانروایی خداوند متعال درآمدن و داخل شدن در عبودیت خداوند تعریف می‌شود.

«حين تكون الحاکمیه العلیا فی مجتمع لله وحده - متمثلة فی سیادة الشریعة الإلهیة - تكون هذه هی الصورة الوحيدة التي يتحرر فیها البشر تحراً كاملاً من العبودیة للبشر . . . ولا حریة - فی الحقیقة - ولا کرامة للإنسان - ممثلاً فی کل فرد من أفراد - فی مجتمع بعضه أرباب یشرعون وبعضه عبید یطیعون!» (قطب، بی‌تا[ب]: ۷۲).

آزادی در یک دسته‌بندی، به آزادی متعالیه و متدانیه تقسیم می‌شود. در آزادی متعالیه، آزادی شهروندان در چارچوب احکام شریعت اسلامی تعریف می‌شود. آزادی متدانیه، خود به آزادی متدانیه حداکثری و آزادی متدانیه حداقلی تقسیم می‌شود. در آزادی حداکثری، آزادی سیاسی شهروندان مقید به رعایت احکام شریعت اسلامی نیست. آزادی موجود در

۱. «مفاهیم سازه‌ای در عرض مفاهیم بسیط به کار می‌رود. مفاهیم بسیط با تعاریف یک‌جمله‌ای برای همگان قابل فهم هستند، برخلاف مفاهیم سازه‌ای که هر چقدر جملات بیشتری در تعریف بیاید، بر پیچیدگی مفهوم می‌افزاید. برای مثال، اگر راستی را به «گفتار مطابق با واقع» تعریف کنیم برای همه قابل فهم است. اما اگر امنیت را به عدم خوف یا آرامش یا عدم تهدید یا حفظ ارزش‌ها تعریف کنیم، ابهام آن همچنان باقی است؛ چون بلافاصله از چیستی جواب، پرسیده می‌شود. اینکه ارزش چیست؟ تهدید چیست؟ و ...» (لکزایی ۱۳۹۳: ۱۳؛ لکزایی ۱۳۹۴: ۱۸).

دموکراسی‌های غربی از جمله مصادیق این قسم است. اما در آزادی حداقلی، شهروندان از حقوق و آزادی اولیه نیز محروم می‌شوند. آزادی موجود در نظام‌های استبدادی از جمله مصادیق این قسم است.

۲. مفهوم امنیت

واژه امنیت در لغت به معنای بی‌خوفی، امن، ایمنی، ایمن شدن، در امان بودن، آرامش و آسودگی است (دهخدا ۱۳۷۷، ج ۳: ۳۳۷۶؛ انوری و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۱: ۵۷۰). با چشم‌پوشی از پیچیدگی (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۰)، ابهام (خلیلی، ۱۳۸۷: ۴۹۷)، اختلاف و مناقشه (ویلیامز، ۱۳۹۰: ۳۹) در مفهوم اصطلاحی امنیت، عمده تعاریف آن، تلقی سلبی از امنیت دارند. برای مثال، در یکی از این موارد، در تعریف امنیت آمده است: «امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب‌شده را مشخص می‌کند و در معنای ذهنی، فقدان ترس و وحشت از حمله علیه ارزش‌ها را تعیین می‌کند» (Wolfers, 1952: 485). برخی نیز تلقی ایجابی از امنیت دارند و بر اهمیت ترویج و پیشبرد حقوق بشر تأکید می‌کنند (ویلیامز، ۱۳۹۰: ۴۱-۴۰). در این تلقی، امنیت به معنای وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولتمردان و شهروندان است (افتخاری، ۱۳۷۸: ۲۷؛ افتخاری، ۱۳۹۰: ۹۱). در این میان، برخی نیز تلقی سازه‌ای از امنیت دارند و آن را به معنای «دستیابی به وضعیتی که «الف» (با انجام دادن یا انجام ندادن اقدام‌هایی) از آسیب، تعرض و تهدید «ب» مصون (و محفوظ) باشد تا به «ج» برسد (یا در وضعیت «ج» باشد)»، تعریف می‌کنند (لکزایی، ۱۳۹۳: ۱۳؛ لکزایی، ۱۳۹۱). به نظر نگارنده، از بین این تعاریف، تعریف سازه‌ای از امنیت علاوه بر قابلیت تطبیق با هریک از تعاریف سلبی و ایجابی امنیت، به دلیل تعبیه وجه غایت و هدف در تعریف امنیت، از جامعیت بیشتری نسبت به دیگر تعاریف برخوردار است و به گفتمان امنیتی اسلام (امنیت متعالی) که ضمن توجه به دنیا، غایت‌گرا (آخرت‌محور) می‌باشد، نزدیک‌تر است.

امنیت در یک دسته‌بندی به امنیت متعالیه و امنیت متدانیه (حداقلی و حداکثری) تقسیم می‌شود. در امنیت متعالیه، متعلق امنیت، علاوه بر مواردی همچون فرهنگ عرفی (آداب و رسوم) و منافع ملی، شامل حقوق الهی (احکام دین) و نیز حقوق و آزادی‌های شهروندان نیز می‌شود. به عبارت دیگر، دال محوری از میان متعلقات امنیت، رعایت شریعت اسلامی است. در واقع، امنیت متعالیه، امنیت در چارچوب لحاظ حقوق الهی است. امنیت متدانیه خود به امنیت متدانیه حداکثری و حداقلی تقسیم می‌شود. متعلق امنیت در قسم متدانیه حداکثری، صرفاً شامل منافع ملی، حقوق و آزادی‌های شهروندان می‌شود. امنیت موجود در نظام‌های مردم‌سالار سکولار (لیبرال‌دموکراسی یا سوسیال‌دموکراسی) از جمله مصادیق این قسم است. در مجموع،

مهم‌ترین فرق امنیت متدانیه حداکثری با امنیت متعالیه، بی‌توجهی به امنیت حقوق الهی در زندگی اجتماعی شهروندان است.

اما در صورتی که متعلق امنیت متدانیه، تنها شامل امنیت تحمیلی حکومت شود، امنیت متدانیه حداقلی نامیده می‌شود. این قسم از امنیت متدانیه، در نظام‌های استبدادی سنتی (مانند سلطنتی) یا مدرن (مانند کمونیستی یا ریاست‌جمهوری دائمی و موروثی) مشاهده می‌شود که در واقع، امنیت طبقه حاکم است. بنابراین، مهم‌ترین تفاوت امنیت متدانیه حداقلی با دو قسم دیگر، بی‌توجهی به امنیت حقوق الهی و امنیت حقوق و آزادی‌های شهروندان است.

نسبت امنیت و آزادی در اندیشه سید قطب

برای تبیین مناسبات امنیت و آزادی در اندیشه سید قطب، با بهره‌گیری از چارچوب نظری و کاربردی روش سبر و تقسیم، نخست، نادرستی دو فرض وضعیت تقدم امنیت بر آزادی اقتصادی و برعکس اثبات می‌شود (شایان ذکر است که فرض عدم نسبت و ارتباط میان امنیت و آزادی در جامعه، بدیهی‌الطلاق و از محل بحث خارج است). در نتیجه، از بین فروض موجود، فقط فرض وضعیت تعامل امنیت و آزادی اقتصادی باقی می‌ماند که به‌عنوان تنها دیدگاه صحیح در اندیشه سید قطب اثبات می‌شود.

نسبت امنیت سیاسی و آزادی سیاسی در اندیشه سید قطب

۱. نادرستی فرض وضعیت تقدم امنیت سیاسی بر آزادی سیاسی در اندیشه سید قطب
 آزادی سیاسی در اندیشه سید قطب از جمله حقوق سیاسی شهروندان محسوب می‌شود و هیچ‌کس حق سلب آن را از آنان ندارد. از این‌رو، سید قطب در پاسخ به کسانی که تصور می‌کنند طبیعت حکومت دینی، زور، استبداد و سلب‌کننده آزادی است، می‌نویسد: «...اسلام در صف مقابل و معارض با حکومت‌های استبدادی است نه در ردیف آنان. ...دین اسلام نظامی است که کسانی را که تن به ضعف و ذلت می‌دهند مستوجب عذاب الیم می‌داند...» (قطب، بی‌تا[الف]: ۷۱-۷۰). یکی از مصادیق آزادی سیاسی، حق رأی و انتخاب به‌ویژه انتخاب حاکم است. سید قطب با استناد به اصل شورا در اسلام، ذیل آیه شریفه «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»، به حق انتخاب مسلمانان در اسلام اشاره می‌کند.

«این نص قاطعی است که برای امت اسلامی محل شک و تردید باقی نمی‌گذارد در اینکه اصل شورا یکی از اصول و ارکان سیستم اسلامی است و نظام اسلامی نباید بر پایه دیگری جز آن استوار گردد...» (قطب، ۱۳۸۷، ج ۱: ۷۵۲). «حاکم در اسلام، حکومت را از یک مبدأ به دست می‌گیرد و آن، اراده کسانی است که در زیر لوای آن حکومت زندگی می‌کنند و انتخاب و بیعت

آزاد تنها راه رسیدن به حکومت است» (قطب، بی‌تا[الف]: ۶۸). «حاکم اسلامی یک سلطنت مطلقه‌ای همچون برخی حکام در قدیم ندارد، بلکه با اختیار کامل و آزادی مطلق مسلمانان حاکم می‌شود که نه معاهده حاکم قبلی گردن‌گیر آنهاست و نه وراثت خانوادگی» (قطب، ۱۳۵۲: ۲۰۰-۱۹۹). «... و این بررسی سریع، نظریه اصیل اسلام را در مسئله حکومت بر ما روشن می‌کند و آن اینکه اختیار و انتخاب مطلق مسلمانان تنها عامل پی‌ریزی حکومت است...» (قطب، ۱۳۵۲: ۳۵۳).

سید قطب معتقد است که شکل و نحوه تحقق شورا با توجه به مقتضیات و شرایط زندگی ملت اسلامی تغییرپذیر است و این امر، در اسلام پذیرفته شده است. بنابراین، از دیدگاه وی در زمان کنونی، شورا می‌تواند در قالب انتخابات و پارلمان نمود پیدا کند.

«اما شکل شورا و وسیله‌ای که شورا بدان تحقق می‌پذیرد، امری است که جای بحث و گفت‌وگو در آن باقی است و برابر مقتضیات اوضاع ملت اسلامی و شرایط زندگی این امت، تغییرپذیر است و مسلمانان می‌توانند درباره چگونگی آن نظر بدهند هر شکل و فرم و وسیله و راهی که اصل شورا نه نمای ظاهری آن بدان انجام پذیرد مقبول و پذیرفته اسلام است» (قطب، ۱۳۸۷، ج ۱: ۷۵۲).

سید قطب معتقد است که تحقق حکومت عادلانه، بر شور، رضا و قبول مردم متوقف است. وی برخلاف نظریه غالب در اندیشه سیاسی اهل تسنن معتقد است که واجب‌الاطاعه بودن حاکم تنها زمانی است که قانون را اجرا کند. بنابراین، از دیدگاه سید قطب منتخب بودن حاکم و مجری شریعت بودن حکومت دو شرط اساسی حکومت عادلانه و در نتیجه لازم‌الاطاعه بودن است. «و روشن است که اطاعت مسلمانان از هیئت حاکمه مرتبط با اقامه نوامیس قرآن است. یعنی حاکم، به‌طور مطلق لازم‌الاطاعه نیست» (قطب، بی‌تا[الف]: ۶۹).

یکی دیگر از مصادیق آزادی سیاسی، آزادی بیان است. از دیدگاه سید قطب شهروندان در اسلام از حق آزادی بیان برخوردارند. به‌عبارت دیگر، سید قطب معتقد است که در اسلام، نظرهای شهروندان تا زمانی که مخالفت صریحی با قوانین اسلامی نداشته باشد محترم است به همین دلیل، از آنها حمایت می‌کند و هیچ‌کس حق آزار و اذیت آنها را ندارد (قطب، بی‌تا[الف]: ۷۳). «اسلام مردمی را که در مقابل حاکم ظالم سکوت می‌نمایند و کوچک‌ترین عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دهند بیم می‌دهد...» (قطب، بی‌تا[الف]: ۷۲).

با اینکه از دیدگاه سید قطب آزادی و آزادی سیاسی از جمله حقوق مسلم مسلمانان در جامعه اسلامی به‌شمار می‌رود، ولی آزادی موردنظر ایشان فقط در سایه سیادت شریعت و محوریت آن در جامعه اسلامی محقق می‌شود، زیرا به اعتقاد ایشان در جامعه‌ای که قانون خداوند در آن سیادت نداشته باشد، آزادی به معنای حقیقی آن محقق نمی‌شود و وضعیت مردم در چنین جامعه‌ای در واقع، همچون بردگان است. از دیدگاه سید قطب، چنین جامعه‌ای با

وجود اسلامی نامیده شدن، اسلامی نیست بلکه جامعه‌ای جاهلی است. «لیس المجتمع الإسلامي هو الذي يضم ناساً ممن يسمون أنفسهم "مسلمين"، بينما شريعة الإسلام ليست هي قانون هذا المجتمع، وإن صلى وصام وحج البيت الحرام!» (قطب، بی‌تایب: ۷۰).

«ولا بد من إيضاح إذن لهذه الحقيقة! حين تكون الحاکمیة العلیا فی مجتمع لله وحده - متمثلة فی سیادة الشریعة الإلهیة - تكون هذه هی الصورة الوحیة التي یتحرر فیها البشر تحرراً كاملاً من العبودیة للبشر . . . وتكون هذه هی "الحضارة الإنسانیة" لأن حضارة الإنسان تقتضی قاعدة أساسیة من التحرر الحقیقی الكامل للإنسان، ومن الكرامة المطلقة لكل فرد فی المجتمع . ولا حریة - فی الحقیقة - ولا كرامة للإنسان - ممثلاً فی كل فرد من أفراد - فی مجتمع بعضه أرباب یشرعون وبعضه عبید یتیعون!» (قطب، بی‌تایب: ۷۲).

با توجه به مطالبی که درباره آزادی سیاسی در اندیشه سید قطب بیان شد، از یک سو، مسلمانان در جامعه اسلامی از دیدگاه وی دارای حقوق سیاسی از جمله حق انتخاب و حق آزادی بیان هستند. از سوی دیگر، هیچ‌کس حق ندارد آنها را از آن حقوق، محروم کند. در واقع، در اندیشه وی، استبداد سیاسی (امنیت سیاسی متدانیة حداقلی و عدم آزادی سیاسی) که به استخدام یکطرفه منجر می‌شود، جایگاهی ندارد. بنابراین، می‌توان گفت که در اندیشه سیدقطب فرض تقدم امنیت سیاسی (متدانیة حداقلی) بر آزادی سیاسی پذیرفته نیست.

۲. نادرستی وضعیت تقدم آزادی سیاسی بر امنیت سیاسی در اندیشه سید قطب

مقوله امنیت نیز همانند آزادی در اندیشه سید قطب جایگاه ویژه‌ای دارد. با وجود اهمیت آزادی سیاسی در اندیشه سیاسی سید قطب، ایشان از آزادی سیاسی متدانیة مطلق که مساوی با هرج و مرج است و نیز آزادی سیاسی متدانیة حداکثری که در نظام‌های لیبرالیستی وجود دارد، حمایت نمی‌کند. در واقع، ارزش‌های حیاتی سیاسی و موضوعات سیاسی امنیتی در اندیشه وی وجود دارد که محدودکننده آزادی سیاسی فرد است. «در اسلام فرد به حال خود واگذار نمی‌شود که هرچه بخواهد بکند، فرد آزادی دارد ولیکن در چهارچوبی از حدود!» (قطب، ۱۳۵۲: ۲۴۲).

«امنیت گروه مسلمانان در سرزمین اسلامی و حفظ نظم عمومی و نظام حکومتی‌ای که گروه مسلمانان در سایه آن از امن و امان برخوردار می‌شوند و به تلاش نیک و پویایی خوب خود سرگرم می‌شوند، همه و همه، همسان امن و امان افراد و لازم و ضروری است، بلکه از امن و امان افراد و اشخاص نیز لازم‌تر و ضروری‌تر است، چراکه امن و امان افراد و اشخاص جز با امن و امان نظم عمومی و نظام حکومتی ممکن نمی‌گردد. گذشته از آن، حفاظت از این جامعه نمونه فاضل و والای جامعه‌ها، یعنی جامعه‌ای که دربرگیرنده هر نوع تضمینی برای

زندگی و آرامش است از همه چیز لازم تر و ضروری تر است... کسی که امنیت چنین جامعه‌ای را تهدید نماید، عنصر بدنهاد و ناپاکی است و لازم است ریشه کن و نابود شود. مگر اینکه به سوی هدایت برگردد» (قطب، ۱۳۸۷، ج ۱: ۴۱۵-۴۱۴).

دین اسلام به ویژه احکام سیاسی آن یکی از ارزش‌های حیاتی امنیتی در اندیشه سید قطب است که محدودکننده آزادی سیاسی شهروندان است. از این رو، ایشان معتقدند که حکومت باید قوانین اسلامی را اجرا کند و همه امور باید در چارچوب احکام اسلامی باشد.

«حکومت باید احکام اسلامی را اجرا کند. روابط مردم با حکومت و رابطه حکومت با مردم باید از شریعت اسلام مأخوذ باشد. نه تنها قوانین مربوط به احوال شخصی افراد، بلکه قوانین مجازات و قوانین مدنی و تجاری و سایر مقرراتی که اجتماع را صورتی می‌دهد و نظام مخصوصی بدان می‌بخشد تمام باید از اسلام گرفته شود» (قطب، بی تا [الف]: ۵۷).

حکومت اسلامی مادامی که مجری قوانین اسلام است، یکی دیگر از ارزش‌های حیاتی سیاسی و موضوعات سیاسی امنیتی در اندیشه سید قطب محسوب می‌شود. از این رو، به اعتقاد وی، شهروندان نمی‌توانند به بهانه داشتن آزادی سیاسی از چنین حکومتی سرپیچی کنند (قطب، ۱۳۸۷، ج ۱: ۴۱۷-۴۱۵). «فرمانبرداری افراد تنها منوط به اجراء قوانین اسلامی به دست حاکم است بدون هیچ شرطی جز همان عدالت در حکومت و اطاعت از خداوند» (قطب، ۱۳۵۲: ۲۰۰-۱۹۹).

یکی دیگر از ارزش‌های حیاتی سیاسی و موضوعات سیاسی امنیتی در اندیشه سید قطب که آزادی شهروندان محدود به آن است، دارالاسلام است. از دیدگاه سید قطب دارالاسلام سرزمینی است که در آن عقیده اسلامی در آنجا حاکم است و شریعت خداوند در آن اجرا می‌شود. سید قطب معتقد است که شهروندان چنین سرزمینی وظیفه دارند به دفاع از آن برخیزند به طوری که حتی در مسیر حمایت از آن به شهادت برسند.

«دار الإسلام» الدار التي تسيطر عليها عقيدته وتحكم فيها شريعة الله وحدها، الدار التي يأوي إليها ويدافع عنها، ويستشهد لحمايتها ومد رقعتهها . . وهي "دار الإسلام" لكل من يدين بالإسلام عقيدة ويرتضى شريعته شريعته، وكذلك لكل من يرتضى شريعة الإسلام نظاما - ولو لم يكن مسلما - كاصحاب الديانات الكتابية الذين يعيشون في "دار الإسلام" . . والأرض التي لا يهيمن فيها الإسلام ولا تحكم فيها شريعته هي "دار الحرب" بالقياس إلى المسلم، وإلى الذمي المعاهد كذلك . . يحاربها المسلم ولو كان فيها مولده، وفيها قرابته من النسب وصهره، وفيها أمواله ومنافعه» (سید قطب، بی تا [الف]: ۹۵).

آزادی سیاسی شهروندان، یکی دیگر از ارزش‌های حیاتی و موضوعات سیاسی امنیتی در اندیشه سید قطب محسوب می‌شود که آزادی سیاسی فرد را محدود می‌کند. در واقع، آزادی سیاسی فرد نباید به گونه‌ای باشد که آزادی سیاسی دیگر شهروندان را سلب کند.

«... خود فرد نیز مصلحت مخصوصی در توقف بر حدود معینی در استفاده از آزادی دارد تا به وسیله غرایز و شهوات و لذا لذایذ خود به طرف هلاکت نرود و تا آزادیش با آزادی دیگران تصادم ننماید و در نتیجه کشمکش‌های دامنه‌داری پیدا شود و آزادی به صورت درد و ناراحتی درآید و پیشرفت و کمال زندگی بر حدود مصالح فردی کم‌مدت، متوقف نگردد» (سید قطب، ۱۳۵۲: ۱۳۴).

مصالح اجتماعی یکی دیگر از موضوعات سیاسی امنیتی و ارزش‌های حیاتی جامعه محسوب می‌شود که به اعتقاد سید قطب، محدودکننده آزادی سیاسی شهروندان است، زیرا آزادی مطلق افراد، از نگاه وی نابودی اجتماع را در پی دارد.

«اجتماع مصالح بلندی دارد که ناچار باید آزادی افراد در آنجا خاتمه یابد (سید قطب، ۱۳۵۲: ۱۳۴)... هر فردی موظف است که مصالح اجتماع را به طوری رعایت کند که گویا نگهبان آن بوده و موکل بر آن است و زندگی چون کشتی در گردابی است که مسافری آن همگی مسئول حفظ کشتی‌اند و هیچ‌یک از آنان نمی‌تواند به‌عنوان آزادی فردی جایی از آن را سوراخ کند...» (سید قطب، ۱۳۵۲: ۱۴۵).

با توجه به مطالبی که درباره امنیت سیاسی در اندیشه سید قطب بیان شد، موضوعات سیاسی امنیتی و ارزش‌های حیاتی سیاسی مانند قوانین اسلامی، آزادی سیاسی، منافع و مصالح اجتماعی و ملی، حکومت اسلامی وجود دارد که آزادی سیاسی فرد را محدود و از افتادن در ورطه هرج و مرج (ناامنی) و نیز از عبور از حدود دین و برقراری استخدام یکطرفه نجات می‌دهد. در واقع، نتیجه آن، تحقق امنیتی متعالی است که به امنیت اخروی شهروندان نیز توجه دارد و از این نظر، از امنیت متدانیه حداکثری لیبرال متمایز می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت که در اندیشه سیاسی امنیتی سید قطب، فرض تقدم آزادی سیاسی متدانیه مطلق یا حداکثری بر امنیت سیاسی مردود است.

۳. درستی فرض وضعیت تعامل امنیت سیاسی و آزادی سیاسی در اندیشه سید قطب

براساس برهان سیر و تقسیم با نادرستی فرض وضعیت تقدم امنیت سیاسی (متدانیه حداکثری) بر آزادی سیاسی در اندیشه سید قطب از یک سو، و نیز نادرستی فرض وضعیت تقدم آزادی سیاسی (متدانیه مطلق یا حداکثری) بر امنیت سیاسی در اندیشه وی از سوی دیگر، فرض تعامل متعالی امنیت سیاسی و آزادی سیاسی در بستر دین از دیدگاه ایشان اثبات می‌شود. با این توضیح که آزادی سیاسی مورد نظر سید قطب از یک سو به معنای هرج و مرج یا آزادی سیاسی سکولار لیبرالیستی که به دین بی‌توجه باشد، نیست. در حقیقت، آزادی سیاسی مطلق یا غیردینی، از دیدگاه وی آزادی محسوب نمی‌شود. از سوی دیگر، امنیت سیاسی مورد نظر وی

نیز به معنای استبداد سیاسی و سلب حقوق سیاسی شهروندان نیست. در واقع، یکی از مؤلفه‌های سنجش وجود امنیت سیاسی در یک جامعه با توجه به جایگاه اصل شورا در اندیشه سید قطب، فعالیت سیاسی آزادانه شهروندان است. بنابراین، امنیت سیاسی و آزادی سیاسی در اندیشه سید قطب رابطه‌ای تعاملی با یکدیگر دارند.

«اسلام به همراهی نظریه وسیع خود درباره وحدت هدف‌های کلی فرد و جماعت، و به یک رشته درآمدن حیات و تکامل آن، این‌چنین تکافل اجتماعی را به تمام صور و شکل‌های آن برقرار می‌سازد. به فرد آزادی کامل می‌دهد، لیکن در حدودی که به زیانش تمام نشود و سد راه اجتماع نگردد و برای اجتماع هم حقوقی قرار می‌دهد و در برابر آن به وظایفی موظف می‌گرداند تا زندگی در راه صحیح و محکم خود سیر نماید و به هدف‌های عالی که فرد و اجتماع به‌طور مساوی خدمت آن را می‌کنند برسد» (سید قطب، ۱۳۵۲: ۱۵۵).

نسبت امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی در اندیشه سید قطب

۱. نادرستی فرض وضعیت تقدم امنیت فرهنگی بر آزادی فرهنگی در اندیشه سید قطب

آزادی فرهنگی نیز همانند آزادی سیاسی از دیدگاه سید قطب از جمله حقوق مسلم شهروندان در جامعه اسلامی محسوب می‌شود. از جمله مصادیق آزادی فرهنگی، آزادی فکر و آزادی بیان است. از دیدگاه سید قطب در اسلام، شهروندان از آزادی فکر و بیان برخوردارند. «و هیچ مرام و مکتب و جمعیتی مانند اسلام، آزادی فکر و بیان درخور شرافت انسانی را به انسان اعطا نمی‌کند» (قطب، بی‌تا[الف]: ۱۰۰). سید قطب با استناد به آیات «لاکراه فی الدین» و «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن» به تبیین جایگاه و اهمیت آزادی فکر و آزادی بیان در اسلام می‌پردازد. «دعوت اسلامی بر پایه خطاب به عقل و درون و وجدان استوار بوده... در واقع اسلام همان نخستین دینی است که نیروهای مدرک و احساس کننده در انسان را احترام گذاشته است» (سید قطب، ۱۳۵۲: ۳۳۰).

«وَ فِي هَذَا الْمَبْدَأِ يُتَجَلَّى تَكْرِيمُ اللَّهِ لِلْإِنْسَانِ وَ إِحْتِرَامُ إِزَادَتِهِ وَ فِكْرِهِ وَ مَشَاعِرِهِ... وَ هَذِهِ هِيَ أَحْصَى خَصَائِصِ التَّحْرِيرِ الْإِنْسَانِي... إِنَّ حُرِّيَّةَ الْإِعْتِقَادِ هِيَ أَوَّلُ حُقُوقِ «الْإِنْسَانِ» الَّتِي يَثْبُتُ لَهَا بِهَا وَصْفُ «الْإِنْسَانِ» فَالَّذِي يَسْلُبُ إِنْسَانًا حُرِّيَّةَ الْإِعْتِقَادِ، إِنَّمَا يَسْلُبُهُ إِنْسَانِيَّتَهُ إِبْتِدَاءً... وَ مَعَ حُرِّيَّةِ الْإِعْتِقَادِ حُرِّيَّةُ الدَّعْوَةِ لِلْعَقِيدَةِ، وَ الْأَمْنُ مِنَ الْأَذَى وَ الْفِتْنَةِ... وَ لَا فَهِيَ حُرِّيَّةُ بِالْإِسْمِ لَا مَدْلُولٌ لَهَا فِي وَاقِعِ الْحَيَاةِ» (سید قطب، ۱۳۸۶، ج ۳: ۴۲۶-۴۲۵).

یکی از مصادیق آزادی فکری و بیان، آزادی علمی است. از دیدگاه سید قطب، اسلام نه تنها هیچ دشمنی‌ای با علم و دانشمندان ندارد، بلکه تحصیل علم را بر تمام مسلمانان واجب کرده

است. «اسلام نه با علم عداوتی دارد و نه از علماء و دانشمندان کراهتی، بلکه علم را فریضه‌ای مقدس و یکی از طاعات دینی قرار می‌دهد...» (سید قطب، ۱۳۵۲: ۶۰).

آزادی انجام فعالیت‌های فرهنگی و به‌طور خاص، آزادی دینی، یکی دیگر از مصادیق آزادی فرهنگی است. از دیدگاه سید قطب، در اسلام، تفاوت‌های ملت‌ها از نظر رنگ، نژاد، دین و زبان، مانعی برای پیشرفت و انجام فعالیت‌های طبیعی محسوب نمی‌شود. وی معتقد است که از دیدگاه اسلام، اقلیت‌های دینی در جامعه اسلامی در انجام شعائر دینی خود آزادند. به اعتقاد وی هیچ دین و حکومتی در دنیا مانند اسلام ضامن آزادی اقلیت‌ها و حفظ شرافت و حقوق ملی آنها نبوده است (قطب، بی‌تا[الف]: ۸۰).

«از مسائلی که با این نمونه روشن تاریخی تماس دارد، این آزادی و حریتی است که اسلام برای مردم کشورهای فتح‌شده در برگزاری شعائر دینی خود متکفل شده است. و این حمایتی است که اسلام از کنیسه‌ها و کلیساها و معابد و رجال دینی نموده است» (سید قطب، ۱۳۵۲: ۳۳۶). با توجه به مطالبی که درباره آزادی فرهنگی از دیدگاه سید قطب بیان شد، به اعتقاد وی، شهروندان در جامعه اسلامی از آزادی فکری، آزادی بیان و آزادی فعالیت‌های فرهنگی برخوردارند. از این‌رو، هیچ‌کس حق سلب آنها را از آنان و برقراری استبداد فرهنگی (امنیت فرهنگی متدانیة حداقلی) ندارد. و در واقع محروم کردن شهروندان از آزادی فرهنگی، مستلزم استخدامی مذموم و ناعادلانه است. بنابراین، می‌توان گفت که فرض تقدم امنیت فرهنگی بر آزادی فرهنگی در اندیشه سید قطب پذیرفته نیست.

۲. نادرستی فرض وضعیت تقدم آزادی فرهنگی بر امنیت فرهنگی در اندیشه سید قطب

حمایت از آزادی فرهنگی در اندیشه سید قطب، به معنای طرفداری وی از هرج و مرج فرهنگی یا آزادی فرهنگی لیبرالی نیست، بلکه امنیت فرهنگی نیز در اندیشه او از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به اعتقاد سید قطب در جامعه، ارزش‌های حیاتی و حدود و موضوعات فرهنگی امنیتی‌ای وجود دارد که آزادی فرهنگی شهروندان در چارچوب آنها تعریف می‌شود. دین اسلام، مصالح اجتماعی، نفس آزادی فرهنگی افراد و مصلحت فردی (سید قطب، ۱۳۵۲: ۸۵). از جمله آن ارزش‌ها و موضوعات امنیتی در اندیشه سید قطب است که در ادامه تبیین می‌شود. دین اسلام به‌ویژه قوانین فرهنگی آن یکی از ارزش‌های حیاتی فرهنگی و موضوعات امنیتی از دیدگاه سید قطب محسوب می‌شود که محدودکننده آزادی فرهنگی افراد است. «ما خواستار تجدید آن زندگی اسلامی هستیم که روح و قانون اسلامی بر آن حکومت کند...» (سید قطب، ۱۳۵۲: ۸۵).

نفس آزادی فرهنگی نیز یکی دیگر از ارزش‌های حیاتی و حدود فرهنگی امنیتی در اندیشه سید قطب است. به این معنا که آزادی فرهنگی هریک از افراد جامعه نباید به گونه‌ای اعمال شود که آزادی فرهنگی دیگر افراد جامعه را سلب کند. از دیدگاه سید قطب، عدم توقف بر حد معینی از آزادی فرهنگی، موجب کشمکش‌های دامنه‌دار، تبدیل شدن آزادی به صورت درد و ناراحتی و نیز موجب توقف پیشرفت و کمال زندگی انسان می‌شود و در نهایت نیز موجب هلاکت انسان خواهد شد.

«...خود فرد نیز مصلحت مخصوصی در توقف بر حدود معینی در استفاده از آزادی دارد تا به وسیله غرایز و شهوات و لذایذ خود به طرف هلاکت نرود و تا آزدایش با آزادی دیگران تصادم ننماید و در نتیجه کشمکش‌های دامنه‌داری پیدا شود و آزادی به صورت درد و ناراحتی درآید و پیشرفت و کمال زندگی بر حدود مصالح فردی کم‌مدت، متوقف نگردد» (سید قطب، ۱۳۵۲: ۱۳۴).

مصالح و منافع ملی نیز یکی دیگر از ارزش‌های حیاتی و حدود فرهنگی امنیتی در اندیشه سید قطب محسوب می‌شود که محدودکننده آزادی فرهنگی شهروندان است (سید قطب، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴۱۵-۴۱۴). وی در این زمینه می‌نویسد: «اجتماع مصالح بلندی دارد که ناچار باید آزادی افراد در آنجا خاتمه یابد...» (سید قطب، ۱۳۵۲: ۱۳۴).

«و اما آنان که امنیت عمومی اجتماع را تهدید می‌نمایند، پاداششان کشتن و یا دار آویختن یا دست‌وپا بریدن و یا تبعید است... زیرا که دسته‌بندی و توطئه‌چینی و اجتماع بر افساد و اخلاقلگری جرمی است بزرگ‌تر از جرم‌های فردی و به برانداختن و شدت عقوبت سزاوارتر است» (سید قطب، ۱۳۵۲: ۱۵۵).

با توجه به مطالب مذکور، از یک سو، آزادی متدانیه مطلق که مساوی با هرج و مرج و ناامنی است و نابودی مصالح اجتماعی و نیز نابودی نفس آزادی فرهنگی را در پی دارد، هیچ مقبولیتی در اندیشه وی ندارد. از سوی دیگر، آزادی متدانیه لیبرالی نیز که اگرچه حافظ برخی مصالح و منافع دنیوی افراد و نیز حافظ نفس آزادی فرهنگی (آزادی فرهنگی متدانیه حداکثری) آنان است، به دلیل بی‌توجهی به دین و ساحت اخروی انسان، در اندیشه سید قطب پذیرفته نیست. به عبارت دیگر بی‌توجهی به موضوعات امنیتی و ارزش‌های حیاتی فرهنگی در نهایت، مستلزم استخدام یکطرفه مذموم و ناعادلانه و سلطه است. بنابراین، می‌توان گفت که از دیدگاه سید قطب فرض تقدم آزادی متدانیه مطلق یا آزادی متدانیه حداکثری (لیبرالیستی) بر امنیت فرهنگی مردود است.

۳. درستی فرض وضعیت تعامل امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی در بستر دین در اندیشه**سید قطب**

براساس برهان سبر و تقسیم با نادرستی فرض وضعیت تقدم امنیت فرهنگی (متدانیة حداقلی) بر آزادی فرهنگی در اندیشه سید قطب از یک سو، و نیز نادرستی فرض وضعیت تقدم آزادی فرهنگی (متدانیة مطلق یا حداکثری) بر امنیت فرهنگی در اندیشه وی از سوی دیگر، به صورت منطقی، فرض تعامل متعالی امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی در بستر دین در اندیشه ایشان به اثبات می‌رسد. در واقع، استخدام دوطرفه عادلانه و سودرسانی متقابل را در پی دارد. به عبارت دیگر، آزادی فرهنگی مورد نظر سید قطب از یک سو به معنای هرج و مرج یا آزادی فرهنگی سکولاریستی لیبرالیستی که به دین بی‌توجه باشد، نیست. در حقیقت، آزادی فرهنگی مطلق یا غیردینی، از دیدگاه وی آزادی محسوب نمی‌شوند. از سوی دیگر، امنیت فرهنگی مورد نظر وی نیز به معنای استبداد فرهنگی و سلب حقوق فرهنگی شهروندان همانند حکومت‌های مارکسیستی یا دیکتاتوری‌های لیبرال نیست. در واقع، یکی از مؤلفه‌های سنجش وجود امنیت فرهنگی در یک جامعه، وجود آزادی فرهنگی برای شهروندان است. بنابراین، امنیت فرهنگی و آزادی فرهنگی در اندیشه سید قطب رابطه‌ای تعاملی و تلازمی با یکدیگر دارند.

«وقتی بنا باشد که طغیان طمع و آرزوهای فرد، ظلم اجتماعی مخالف با عدل شمرده شود، طغیان اجتماع بر فطرت و نیروی فرد نیز ستم است. نه فقط ستم درباره این فرد، بلکه درباره خود اجتماع نیز ظلمی است و نتیجه و اثر بد کوبیدن فعالیت یک فرد (با سرکوب کردن خواسته‌ها و هدف‌های عالی او) تنها به محرومیت آن فرد تمام نمی‌شود، بلکه اجتماع را نیز از بهره‌برداری از نیروی کامل خود محروم می‌سازد و وقتی که قانون در نیرو و کوشش فرد متکفل حقوق اجتماع شد و برای آزادی و خواسته‌های فرد هم حدودی وضع کرد که جلوی خودسری را بگیرد، سزاوار نیست که از حق فرد در قسمت آزادی فعالیتش در حدودی که نه به اجتماع و نه به خود فرد ضرر می‌رساند و نه با هدف‌های عالی زندگی اصطکاک دارد، غفلت نماید. پس زندگی در اسلام تعاون و همکاری و تکافل است نه جنگ و ستیز و عداوت!» (سید قطب، ۱۳۵۲: ۸۵).

نسبت امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی در اندیشه سید قطب**۱. نادرستی فرض وضعیت تقدم امنیت اقتصادی بر آزادی اقتصادی در اندیشه سید قطب**

از دیدگاه سید قطب، مردم در اسلام آزادی اقتصادی دارند. یکی از مهم‌ترین مصادیق آزادی اقتصادی، حق مالکیت فردی است. از دیدگاه سید قطب، اسلام به تمایلات طبیعی افراد در مورد تملک پاسخ مثبت می‌دهد و برخلاف نظریه کمونیستی، به فرد، حق مالکیت اعطا می‌کند (قطب، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۵۲؛ قطب، بی‌تا[الف]: ۴۱). «می‌دانیم که اسلام مالکیت فردی را محترم می‌شمارد. این

حقیقتی است که در آن تردیدی نیست، و از این جهت با اساس نظریه کمونیستی مخالف است» (قطب، بی‌تا[الف]: ۳۷).

«اسلام در باب اموال، حق مالکیت فردی را - با وسایل مشروعه تملک که به زودی خواهد آمد - مسلم و ثابت دانسته ... و همه گونه حق تصرف را برای صاحب مال از فروش و اجاره و رهن و بخشش و وصیت و سائر تصرفات حلال و غیرمخالف با قوانین دین را اجازه داده است. در ثبوت این حق روشن هیچ گونه شبهه‌ای در اسلام نیست» (سید قطب، ۱۳۵۲: ۲۱۰-۲۰۹).

با وجود چنین صراحتی که در عبارات سید قطب درباره حق مالکیت فردی مشاهده می‌شود، اما وی در عباراتی دیگر، تبیینی از ماهیت آن ارائه می‌کند که در تناقض با پذیرش مالکیت فردی است. وی در یک تعبیر، ملکیت فردی را به‌عنوان ملکیت تصرف و استفاده معنا می‌کند (سید قطب، ۱۳۵۲: ۲۱۵). در تعبیر دیگری درباره طبیعت مالکیت فردی در اسلام، مالکیت فردی، وظیفه‌ای با شروط و قیود معرفی می‌کند و می‌گوید که اصل اولی این است که همه اقسام مال از آن اجتماع است (سید قطب، ۱۳۵۲: ۲۲۱). سید قطب در جای دیگری نیز فرد را در مال خود به وکیلی تشبیه می‌کند که از طرف اجتماع معین شده است.

«اولین قانونی که اسلام به موازات حق ملکیت فردی مقرر می‌دارد این است که فرد در این مال بیش از هر چیز به وکیلی شبیه است که از طرف اجتماع معین شده و تملک این مال به‌وسیله او، بیشتر به یک وظیفه می‌ماند تا تملک و صاحب مال شدن و در واقع، ثروت و مال به‌حسب عمومیت خود، حق اجتماع است و اجتماع در این مال از طرف خداوندی که جز او مالکی نیست جانشین می‌باشد» (سید قطب، ۱۳۵۲: ۲۱۴).

یکی دیگر از مصادیق آزادی اقتصادی، حق انتخاب شغل است. سید قطب ذیل مبحث احتکار به این مصداق از آزادی اقتصادی اشاره می‌کند. وی در این باره معتقد است که از دیدگاه اسلام، هریک از افراد جامعه در انتخاب شغل، آزادند و سلب چنین حقی از مردم، از مصادیق احتکار حرام و عملی ظالمانه محسوب می‌شود. «باید دانست که مشاغل عمومی را اسلام برای هر فرد مشروع دانسته و جلوگیری از آن را ظلم می‌داند» (سید قطب، بی‌تا[الف]: ۴۳).

با توجه به مطالب مذکور، با چشم‌پوشی از تناقضی که در بحث مالکیت فردی مشاهده شد، می‌توان گفت که از دیدگاه سید قطب نیز شهروندان از آزادی اقتصادی برخوردارند و هیچ‌کس حق سلب هیچ‌یک از مصادیق آن را از آنان ندارد. به‌عبارت دیگر، استبداد اقتصادی از دیدگاه وی مردود است و استخدام یکطرفه مذموم و سلطه و ظلم را در پی دارد. بنابراین، در اندیشه سید قطب تقدم امنیت اقتصادی (متدانیة حذاقلی: استبداد اقتصادی) بر آزادی اقتصادی پذیرفته نیست.

۲. نادرستی فرض وضعیت تقدم آزادی اقتصادی بر امنیت اقتصادی در اندیشه سید قطب
امنیت اقتصادی نیز در اندیشه سید قطب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به همین دلیل، وی آزادی اقتصادی شهروندان را به صورت مطلق و خارج از قیود و شروط مشروعه نمی‌پذیرد. به عبارت دیگر، سید قطب در مسائل اقتصادی، به موضوعات و حوزه‌هایی اشاره می‌کند که محدودکننده آزادی اقتصادی شهروندان است. از آن حدود و قیود در اینجا به ارزش‌های حیاتی اقتصادی و یا موضوعات امنیت اقتصادی تعبیر می‌شود. «اسلام حق مالکیت فردی را مطلق و بدون قید و انمی‌گذارد...» (قطب، ۱۳۵۲: ۲۱۳).

«صاحب مال آزاد نیست هرطوریکه بخواهد دست خود را ببندد و هر طوری که بخواهد انفاق کند گرچه این تصرف ذاتی بوده به خود فرد مربوط است، ولیکن در اسلام فرد به حال خود واگذار نمی‌شود که هر چه بخواهد بکند، فرد آزادی دارد ولیکن در چهارچوبی از حدود!...» (قطب، ۱۳۵۲: ۲۴۲).

قوانین اسلامی به ویژه احکام اقتصادی اسلام از جمله ارزش‌های حیاتی اقتصادی امنیتی در اندیشه سید قطب به شمار می‌رود که محدودکننده آزادی اقتصادی شهروندان است. از این رو، تملک و ازدیاد مال از راه‌های غیرمشروع مانند غصب، ربا، قمار، احتکار در اندیشه سید قطب پذیرفته نیست. از آنجا که در اندیشه سید قطب کار و کوشش در اسلام، تنها عامل تملک محسوب می‌شود، از این رو، می‌توان گفت که چون در هیچ‌یک از آن راه‌های نامشروع، کار و کوشش فردی به معنای واقعی، محقق نمی‌شود، بنابراین، تملکی نیز برای فرد به وجود نمی‌آید. «لکن کدام مالکیت فردی است که اسلام آن را مقرر می‌دارد، و ضمانت اجرایی آن را عهده‌دار است؟ آن مالکیتی است که به وسایل مشروع یعنی وسایل صحیحی که اسلام به رسمیت می‌شناسد، پیدا می‌شود. اسلام کار و کوشش را سبب انحصاری تملک می‌داند. کار به هر قسمی که باشد. خواه بدنی خواه فکری. به همین جهت ربا را حرام کرده است،... همچنین اسلام برای زیاد کردن مال راه‌های معینی را مقرر کرده است. و هر طریقی را که از حدود وسایل مشروع خارج شود اجازه نمی‌دهد- همان‌طور که در ربا گفتیم- اسلام، قمار و غش در معامله و احتکار و گرانفروشی، بلکه سود بی‌اندازه‌ای را که موجب اجحاف و مخالف عدالت است، از حدود شرع خارج می‌کند» (سید قطب، بی‌تا[الف]: ۳۷).

مصالح اجتماعی به ویژه عدالت اجتماعی نیز یکی دیگر از ارزش‌های حیاتی و موضوعات امنیت اقتصادی در اندیشه سید قطب است که محدودکننده آزادی اقتصادی شهروندان است. «... حاکم می‌تواند مالیاتی در اموال مردم قرار دهد و وصول نماید و این اختیار البته هیچ قید و شرطی جز رعایت مصالح عمومی ملت و تحقق دادن یک عدالت کامل اجتماعی ندارد» (سید قطب، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۷۶). به اعتقاد قطب، اختلاف طبقاتی در جامعه از جمله مفسدتی است که باعث

از بین رفتن تعادل و توازن در اجتماع و در نتیجه، ایجاد اختلاف در جامعه و از بین رفتن وحدت و امنیت می‌گردد. وی ذیل آیه هفتم از سوره حشر به این مطلب اشاره می‌کند. «قانون دیگری که اسلام در مالکیت قرار می‌دهد، این است که اسلام نمی‌خواهد مال در دست عدّه مخصوصی حبس شود و در دست همان‌ها بگردد و دیگران آن را نیابند: "كَيِّ لَأَيُّكُونُ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ (حشر: ۷)"...» (سید قطب، ۱۳۵۲: ۲۱۶-۲۲۰).

در این دیدگاه، مالکیت فردی به رسمیت شناخته شده و بدان اعتراف شده است، ولی محدود به این قاعده که دارایی و اموال میان ثروتمندان دست به دست نشود و بس؛ فقرا و مستمندان از آن بی‌بهره و بی‌نصیب نگردند و بلکه دسترسی پیدا کنند (سید قطب، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۵۳-۲۵۲).

آزادی اقتصادی شهروندان در جامعه، یکی دیگر از ارزش‌های حیاتی اقتصادی امنیتی در اندیشه سید قطب محسوب می‌شود که محدودکننده آزادی اقتصادی فرد است. در واقع، حق آزادی اقتصادی فرد در اندیشه سید قطب، مجوز زورگیری، اختلاس و به‌طور کلی تجاوز به حقوق اقتصادی دیگر افراد جامعه نیست.

«اسلام... حفظ این حق [مالکیت فردی] را از دزدی و غارت و گرفتن به زور و هرگونه اختلاسی تضمین نموده و حدودی وضع نموده که ضامن همه اینها بوده جلوی تجاوز و تعدی تجاوزگران را بگیرد و به‌علاوه، خطابات اخلاقی نیز بیان نموده که مردم را از دخالت در غیرحق خود بازداشته است» (سید قطب، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۰۹).

با توجه به مطالب مذکور، مشخص می‌شود که در اندیشه سید قطب، شهروندان هنگام استفاده از آزادی اقتصادی‌شان، نباید از خطوط قرمز اقتصادی امنیتی یعنی ارزش‌های حیاتی اقتصادی عبور کنند. در واقع، عبور از آن خطوط، مستلزم به‌وجود آمدن وضعیت استخدام یکطرفه مذموم، ظلم و سلطه اقتصادی در جامعه است. به‌عبارت دیگر، طرفداری سید قطب از آزادی اقتصادی به معنای هرج‌ومرج‌خواهی اقتصادی یا آزادی اقتصادی متدانیّه حداکثری همانند آزادی اقتصادی سرمایه‌داری نیست. در واقع، امنیت اقتصادی موردنظر وی، به‌دلیل در برگرفتن ارزش‌های حیاتی موردنظر اسلامی، امنیتی متعالی است. بنابراین، از دیدگاه سید قطب فرض تقدم آزادی اقتصادی بر امنیت اقتصادی مردود است.

۳. درستی فرض وضعیت تعامل امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی در بستر دین در اندیشه سید قطب

براساس برهان سبر و تقسیم با نادرستی فرض وضعیت تقدم امنیت اقتصادی (متدانیّه حداقلی) بر آزادی اقتصادی در اندیشه سید قطب از یک سو، و نیز نادرستی فرض وضعیت تقدم آزادی

اقتصادی (متدانیه مطلق یا حداکثری) بر امنیت اقتصادی در اندیشه وی از سوی دیگر، فرض تعامل متعالی امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی در بستر دین در اندیشه ایشان به اثبات می‌رسد. به عبارت دیگر، آزادی اقتصادی موردنظر سید قطب از یک سو به معنای هرج و مرج یا بی‌توجهی به قوانین دین اسلام نیست. به بیان دیگر، آزادی اقتصادی مطلق یا غیردینی، از دیدگاه وی آزادی محسوب نمی‌شوند. از سوی دیگر، امنیت اقتصادی موردنظر وی نیز به معنای استبداد اقتصادی و سلب حقوق اقتصادی شهروندان نیست. در واقع، یکی از مؤلفه‌های سنجش وجود امنیت اقتصادی در یک جامعه در اندیشه سید قطب، فعالیت اقتصادی آزادانه شهروندان است. بنابراین، امنیت اقتصادی و آزادی اقتصادی در اندیشه سید قطب رابطه‌ای تعاملی و تلازمی با یکدیگر دارند.

«هر فردی در ازدیاد مال خویش آزاد است، لیکن در حدود قانون یعنی می‌تواند زراعت کند و مواد اصلیه را به صورت یکی از مصنوعات درآورد و می‌تواند تجارت کند... ولی هرگز نمی‌تواند غش و حيله در کار خود راه دهد و یا ضروریات زندگی مردم را احتکار نماید و یا اموال خود را به ربا دهد و یا به خاطر زیادی سود خود در مزد کارگران ستم کند، همه اینها حرام است» (سید قطب، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۳۲).

نتیجه

در این مقاله در پاسخ به این پرسش که امنیت و آزادی در اندیشه سید قطب چه نسبتی دارند؟ با استفاده از روش سبر و تقسیم و چارچوب نظری استخدام فرضیه مقاله حاضر که دیدگاه امنیتی سید قطب به وضعیت تعامل امنیت و آزادی نزدیک است، اثبات شد و نتایج زیر به دست آمد:

۱. فرض وضعیت تقدم آزادی (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی) بر امنیت (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی) و نیز فرض وضعیت تقدم امنیت (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی) بر آزادی (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی) در اندیشه سید قطب به دلیل آنکه مستلزم سودرسانی و استخدام یکطرفه می‌شود، مردود است، زیرا در آن دو فرض، جامعه‌ای مبتنی بر سلطه و ظلم شکل می‌گیرد که ضمن تضییع حقوق دنیوی هریک از افراد در جامعه، بعد اخروی اجتماع بشری نیز تضییع می‌گردد. چنین جامعه‌ای از دیدگاه سید قطب ذیل جامعه جاهلی (متدانی) قرار می‌گیرد.
۲. امنیت (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی) و آزادی (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی) در اندیشه سید قطب دارای رابطه‌ای تعاملی متعالی در بستر دین هستند. در این صورت، جامعه عادلانه‌ای تشکیل می‌شود که بین نظام سیاسی و شهروندان آن و نیز بین شهروندان، وضعیت عدالت و استخدام و سودرسانی دوسویه برقرار می‌شود. در این وضعیت، ضمن حفظ حقوق دنیوی

شهروندان، زمینه تکامل اخروی آنها نیز مهیا می‌شود. چنین جامعه‌ای از دیدگاه سید قطب از جمله مصادیق جامعه اسلامی است.

۳. از دیدگاه سید قطب، تحقق رابطه‌ای تعاملی متعالی میان امنیت و آزادی، تنها در جامعه اسلامی امکان‌پذیر است و آن هم به دلیل کاربست قوانین اسلام درباره هریک از امنیت و آزادی است. اما در جوامع جاهلی که قوانین اسلامی در آن محوریت ندارد، نسبتی متدانی میان امنیت و آزادی برقرار می‌شود.

منابع و مأخذ

الف) فارسی و عربی

۱. ابن ابی‌علی، محمد (۱۳۹۷ق/ ۱۹۷۷م). *طبقات الحنابلة*، به کوشش محمد نغش، قاهره: دارالنشرالتقافه.
۲. ابن حنبل، احمد (۱۳۱۳ق). *المسند*، قاهره: المطبعة المیمینیة.
۳. الاشعری، ابوالحسن. *رسالة الى اهل النفر*، نسخه الکترونیکی، دسترسی در: lib.eShia.ir.
۴. افتخاری، اصغر (۱۳۷۸). «ظرفیت طبیعی امنیت»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ش ۵ و ۶.
۵. ----- (۱۳۹۱). امنیت، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۶. انوری، حسن و همکاران (۱۳۸۷). *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: سخن.
۷. برلین، آیزایا (۱۳۶۸). *چهار مقاله درباره آزادی*، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: خوارزمی.
۸. خلیلی، رضا (۱۳۸۷). «امنیت و آزادی؛ در جست‌وجوی نگرشی معطوف به توسعه پایدار»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال یازدهم، ش ۴۱، پائیز، ص ۴۹۵-۵۲۵.
۹. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. سید قطب (۱۳۵۲). *عدالت اجتماعی در اسلام*، ترجمه سید هادی خسروشاهی و محمدعلی گرامی، بی‌جا: شرکت سهامی انتشار.
۱۱. ----- (۱۳۸۶). *فی ظلال القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. ----- (۱۳۸۷). *فی ظلال القرآن*، ترجمه مصطفی خرم‌دل، تهران: احسان.
۱۳. ----- (بی‌تا[ب]). *معالم فی الطریق*، کتابخانه دیجیتال تبیان، دسترسی در: <http://library.tebyan.net/fa/Viewer/Text/۷۲#۷۲/۱۱۲۹۲۰> ، ۱۳۹۶/۶/۳
۱۴. ----- (بی‌تا[الف]). *مقابله اسلام با سرمایه‌داری و تفسیر آیات ربا*، ترجمه و اقتباس سید محمد رادمش، بی‌جا: بنیاد علوم اسلامی.
۱۵. شهرستانی، محمد بن عبد‌الکریم (۱۴۰۰ق). *الملل و النحل*، تحقیق محمد سید کیلانی، بیروت: دارالمعرفه.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۹). *آموزش دین یا تعالیم اسلام*، به تنظیم سید مهدی آیت‌اللهی، تهران: جهان‌آرا.
۱۷. ----- (۱۳۸۶). *رهیافت ۶: گزیده‌ای از دیدگاه‌های علامه طباطبایی*، گردآوری حسن اردشیری لاجیمی، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
۱۸. ----- (۱۳۹۱). *روابط اجتماعی در اسلام به ضمیمه چند رساله دیگر*، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی، به کوشش سید هادی خسروشاهی، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۹. ----- (۱۹۹۱). *المیزان*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۰. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۹). *نظریه‌های امنیت*، تهران: ابرار معاصر.
۲۱. علیخانی، علی‌اکبر و همکاران (۱۳۹۰). *اندیشه سیاسی متفکران مسلمان*، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۲۲. عمید، حسن (۱۳۶۳). *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر.
۲۳. غزالی، محمدبن محمد (۱۳۸۶). *احیاء علوم دین*، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیوچم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۴. لکزایی، نجف (۱۳۸۹). «کاربردهای امنیتی انسان‌شناسی حکمت متعالیه»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ش ۵۰، ص ۸۴-۶۳.
۲۵. ----- (۱۳۹۰). «امنیت از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی»، *فصلنامه اسراء*، ش ۷، ص ۱۹-۵۲.
۲۶. ----- (۱۳۹۱). «سخنرانی در هفدهمین نشست علمی تخصصی مرکز فقهی ائمه اطهار(ع) با عنوان «فقه امنیت»، هفدهم آبان.
۲۷. ----- (۱۳۹۳). «امنیت متعالیه»، *فصلنامه سیاست متعالیه*، سال دوم، ش ۵، ص ۷۸-۸.
۲۸. ----- (۱۳۹۴). «مکتب امنیتی متعالیه با نگاهی به اندیشه امام خمینی(ره)»، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال هشتم، ش ۲۶.
۲۹. مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)؛ زیر نظر محمود هاشمی‌شاهرودی (۱۳۸۹). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)*، قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). *مجموعه آثار شهید مطهری*، تهران: صدرا.
۳۱. میراحمدی، منصور (۱۳۸۱). *آزادی در فلسفه سیاسی اسلام*، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۳۲. ویلیامز، پل دی (۱۳۹۰). *درآمدی بر بررسی‌های امنیت*، ترجمه علیرضا طبیب، تهران: امیرکبیر.

ب) خارجی

33. Wolfers, Arnold (1952). "National Security as an Ambiguous Symbol", *Political Science Quarterly*, Vol. 67, No. 4. (Dec., 1952), pp. 481-502.
34. Gray, Tim (1991). *Freedom*, Humanities Press International In C. Atlantic. Highlands N.J.